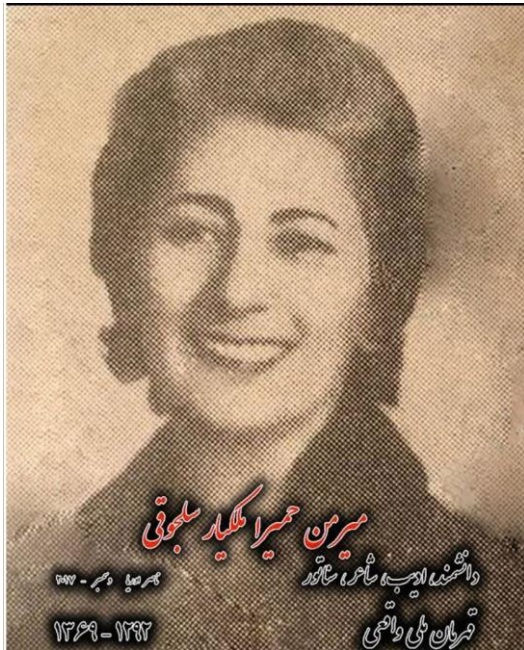




۲۰۲۲/۱۱/۱۶

داکتر ناصر اوریا، بخش: شعراء نخبگان و هنرمندان

معرفی «حمیرا ملکیار سلجوقی» در قاموس بکیر افغانستان



“اگر هر قدر پر بها، زر بود
ولی عاطفه، پر بهاتر بود”

حمیرا ملکیار سلجوقی، نماد زن با فضیلت و اسوه حسنه میرمن حمیرا ملکیار سلجوقی زن اندیشمند، دانشمند، ادیب، شاعر و سناتور در مشرانو جرگه افغانستان در زمان محمد ظاهر شاه، همسر فیلسوف، دانشمند، شاعر، نویسنده و عارف و ارسته افغانستان، علامه صلاح الدین سلجوقی، نمونه یک انسان و ارسته بود. حمیرا ملکیار در سال ۱۲۹۲ هجری شمسی در محله “ده افغانان” شهر کابل دیده به جهان گشود. حمیرا ملکیار دوساله بود که پدرش، عبدالاحمد خان ملکیار که از کارمندان دولت بود هدف اصابت مرمی بدکاران قرار گرفته و به شهادت رسید. مادرش که سینه بی کینه خود را سپر تفنگ دشمن ساخت، نیز در این حادثه جراحت شدید برداشت که تا پایان عمر از درد جروح و زخم واره رنج می برد.

مادر حمیرا ملکیار، زرگر لقب می کرد که از قوم ترک و یک زن عالم، با تدبیر و فاضل بود. وی که مطالعات عمیق در اشعار کلاسیک داشت، در تربیت دخترش همت گماشت و مسئولیت مادری را به وجهه احسن ادا نمود. حمیرا ملکیار از آوان کودکی قرآن کریم و قواعد علوم عربی و لسان دری را بصورت اساسی فرا گرفت و به مطالعه آثار دانشمندان بزرگ پرداخت.

حمیرا ملکیار در جوانی غرض تداوی بیماری که عاید حالش شده بود به کشور هند رفت و در آنجا با دانشمند و فیلسوف معروف افغان، علامه صلاح الدین سلجوقی که قونسل کشور افغانستان در هند بود آشنا شد و با مشوره فامیل با وی ازدوج نمود.

عشق و صمیمیت بی آرایش و اصل قدردانی از ارزش های همدیگر در تمام شئون زندگی آنها بود، که جنبه دنیوی و بُعد معنوی زندگی مشترک این زوج و ارسته را یک سرمشق عالی برای آنهایی می سازد که جویای زندگی باسعادت و پربار اند.

شخصیت والای این بانوی باوقار را شوهر فیلسوفش، علامه صلاح الدین سلجوقی در مقدمه ای که بر “گلبرگ ها”، گزیده ای از اشعار حمیرا ملکیار سلجوقی نوشته، می ستاید و همسری و ازدواج با وی را افتخار و اعتبار بزرگ خویش میداند. این جمله کوتاه ولی نهایت پرمحتوی، بیانگر عشق و احترام عمیقی است که علامه سلجوقی به همسر عالیشان و خویش داشت.

چندین اثر ارزشمند علامه صلاح الدین سلجوقی به کوشش و اهتمام این بانوی دانشمند به زیور چاپ آراسته و در خدمت فرزندان میهن قرار گرفت.

افزون بر زیبایی باطن و ظاهر، این خانم ادیب و دانشمند یک نویسنده دراک، شاعر حساس، یک همدم و پرستار مهربان برای مادر، و یک همسر، مونس ایدال، همکار قلمی و تکیه گاه معنوی برای شوهر فاضل و عارف اش بود. هنگام بیماری نوازش و تیمارداری این دو عزیز برایش در الویت قرار داشت.

در پهلوی فضایل علمی و ادبی اش، حمیرا ملکیار سلجوقی یک آشپز بی نظیر، راننده مصئون، خیاط خوش ذوق، عکاس ماهر و ترجمان عالی و مطمئن لسان های انگلیسی، عربی و اردو نیز بود.

میرمن سلجوقی فعالیت های اجتماعی و سیاسی هم داشت و باری به حیث رئیسه هیئت خانم های افغان به کشور های هند، سریلانکا و مصر سفر نموده بود. میرمن سلجوقی در مصر به خاطر همکاری و فعالیت های خیریه اش به اخذ نشان “کمال” نائل گردیده بود.

این بانوی مدبر یکی از پیشگامان و از جمله نخستین سناتوران زن در افغانستان، و عضو مشرانو جرگه در زمان سلطنت محمد ظاهر شاه بود.

وی با توجه به افکار و اعمال تعدادی از فرزندان عاقبت نیدیش میهن که توسط عناصر توطیف شده اجانب به افراط و تفریط کشانیده شده بودند، باری در شورای ملی افغانستان چنین گفته بود:

نباید بُرد اندوه، جُز به اندوه

نشانید کوفت آهن، جز به آهن

"نباید آنچه را الحاد میپنداریم به چیزی کوفت که آن نزد ما ارتجاع است. ما در این زمان و این مکان موجوده خود باید به ضد الحاد و ارتجاع علی السویه مبارزه کنیم، خواه الحاد شرقی باشد و خواه الحاد غربی و همچنین خواه ارتجاع بسیط باشد و خواه مرکب."

مخاطب اصلی میرمن حمیرا ملکیار سلجوقی در این خطابه آن عده فرزندان خوشباور و ساده اندیش میهن بود، که ناگاهانه در دام حلقهات اجنبی اسیر شده بودند.

حمیرا سلجوقی این دخت اصیل میهن و مادر مهربان و دلسوز به آن ها هشدار میداد، زیرا وی آنچه را که در کمتر از یک دهه بعد از آنروز اتفاق افتاد و سراسر میهن را به آتش کشید، به چشم درایت و بصیرت میدید و دلش برای مهین و مردمش میسوخت .

وی نزدیک منزلش در ناحیه گذرگه کابل، یک مسجد زیبا به شکل پخته و اساسی در شمال لیسه حبیبیه اعمار نمود. علی الرغم اینکه نزد اکثریت مرگ یک هیولای ترسناک و مخوف تلقی می شود، این خانم مؤمن و معتقد سال ها قبل از مرگش، در شهدای صالحین در جوار مقبره شوهرش قبری برای خودش نیز آماده ساخته بود. ^[1] به مصداق سروده علامه اقبال ^[2]:

نشان (فرد) مؤمن با تو گویم * چو مرگ آید تبسم بر لب اوست

میرمن حمیرا ملکیار سلجوقی این شخصیت استثنایی و منحصر به فرد افغان، پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ به کشور هند رفت و از آنجا به امریکا مهاجر شد ^[3].

با اندوه و درد که حمیرا ملکیار سلجوقی در سال ۱۹۸۷م در دیار غربت در ایالت کلفورینا - امریکا چشم از جهان پوشید و در همانجا به خاک سپرده شد.

روحش شاد، بهشت برین مکانش باد و یاد کارنامه هایش جاودان باد.



میرمن حمیرا ملکیار سلجوقی په ۱۲۹۲ لمریز هجری کال کښی د کابل د ده افغانانو سیمه کښی نړۍ ته سترگی پرانستی. دوه کلنه وه چی پلار یی له لاسه ورکړ او روزنه یی د هغی مور ته، چی یوه پوه او عالمه ښځه وه پاتی شوه. مور یی زرگر تخلص کاوه چی د ترک له قومه وه او د کلاسیکو شاعرانو په اشعارو کی یی ژور مطالعات درلودل. خپلی لور ته یی له کوچنی والی قرانکریم، د عربی او دری علومو اساسات ورزده او سترو علماوو له آثارو سره یی آشنا کړه. میرمن حمیرا ملکیار سلجوقی چی د افغانستان یوه تکړه ادیبه، شاعره، عالمه او د محمد ظاهر شاه په وخت کښی د مشرانو جرگی سناتوره وه، د ښاغلی عبدالاحمد خان ملکیار لور وه چی د افغانستان له ستر فیلسوف، سیاستپوه، لیکوال او عارف ښاغلی صلاح الدین سلجوقی سره یی واده کړی وه.

میرمن سلجوقی په ۱۹۸۷ عیسوی کال کښی د امریکی کلفورنیا ایالت کښی له نړۍ څخه سترگی پټی کړی چی همهلته خاورو ته وسپارل شوه.

اروا دی ښاده، لور جنت دی ځای او یاد دی تلپاتی وی

به صفحه قاموس کبير افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد

رساند